

قوهٔ قضائیه بعد از دعوت ظریف به استعفا، حکم مجرای دبش را هم که شامل دو وزیر دولت سیزدهم می‌شد، اعلام کرد

برخورد غیر قبيله‌ای



احکام پرونده جنجالی چای دبش نهایتاً روز گذشته توسط دستگاه قضا اعلام شد. مطابق احکام صادره، سیدجواد ساداتی‌نژاد، وزیر سابق جهاد کشاورزی و سیدرضا فاطمی‌امین، وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت، به ترتیب به ۲ سال و ۱ سال حبس تعزیری محکوم شدند. این دو مقام به اتهام «معاونت در اختلال در نظام اقتصادی کشور» محاکمه شدند و احکام آن‌ها پس از تخفیف از ۵ سال به این میزان کاهش یافت. این پرونده که به تخصیص غیرقانونی میلیاردها دلار ارز برای واردات چای و سوءاستفاده‌های گسترده مرتبط بود، یکی از بزرگ‌ترین موارد فساد اقتصادی در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. محکومیت این دو وزیر نشان داد که قوه قضائیه حتی در دولت رئیسی که خود ریشه در این نهاد دارد، از برخورد با مقامات متخلف ابایی ندارد. موضوع برخورد قوه قضائیه ایران با اعضای دولت‌ها در موارد فساد اقتصادی، یکی از مباحث مهم و پرتکرار در تاریخ سیاسی و قضایی جمهوری اسلامی ایران است. این برخوردها که در دولت‌های مختلف رخ داده، نشان‌دهنده تلاش قوه قضائیه برای مبارزه با فساد در سطح بالای قدرت است. پرونده چای دبش و احکام ساداتی‌نژاد و فاطمی‌امین، یک آزمون مهم برای قوه قضائیه بود. رد شائبه سیاسی‌کاری با استاد به سابقه برخورد با تخلفات در همه دولت‌ها و به‌ویژه اقدام بی‌سابقه در زمان دولت مستقر، منطقی‌تر از پذیرش ادعاهای افرادی است که شائبه سیاسی‌کاری را مطرح می‌کنند. از سوی دیگر، انتقاد به سبکی احکام، سوألی مشروع است که باید جداگانه بررسی شود. اما مهم این است که این برخورد، فارغ از کم و کیفش، نشان داد که قوه قضائیه می‌تواند وزرا را هم پاسخگو کند.

ضربه به عدالت با فرمول فسادزدایی

در واکنش به احکام صادر شده توسط قوه قضائیه، یکی از چهره‌های رسانه‌ای دولت سابق در یادداشتی اتهام فساد دو وزیر دولت سیزدهم را رد کرده و مدعی شده است که اتهامات این دو وزیر سابق نه بر پایه فساد واقعی، بلکه بر اساس انگیزه‌های سیاسی بوده است. او ابتدا ادعا کرده که این افراد هیچ فسادِی مرتکب نشده‌اند و سپس در توییتی نوشته: «مشخص شد که اساساً موضوع چیز دیگری بوده است نه آنچه به اسم فساد تبلیغ می‌شد.» این رویکرد تلاش دارد اقتدار و اتقان قوه قضائیه را تضعیف کند و این احکام را به شائبه سیاسی‌کاری آلوده سازد. در مقابل، دسته دیگری از واکنش‌ها بر این باورند که تخلف این افراد در حد ۳ میلیارد دلار خسارت به کشور بوده و حکم ۲ سال حبس برای ساداتی‌نژاد و ۱ سال برای فاطمی‌امین بسیار ناچیز است. یکی از مهم‌ترین استدلال‌ها برای رد ادعای سیاسی‌کاری قوه قضائیه در این پرونده، تاریخچه برخورد این قوه با تخلفات در همه دولت‌هاست. از دولت احمدی‌نژاد بسا محکومیت افرادی چون محمدرضا رحیمی و حمیدرضا بقایی، تا دولت روحانی با پرونده حسین فریدون، قوه قضائیه نشان داده که در صورت وجود شواهد، فارغ از جناح‌بندی سیاسی، اقدام به رسیدگی می‌کند. این الگو حاکی از آن است که نمی‌توان به‌سادگی این برخوردها را سیاسی تلقی کرد. اگر در دولت احمدی‌نژاد، نزدیکان رئیس‌جمهور محکوم شدند و در دولت روحانی برادر رئیس‌جمهور به زندان افتاد، حالا هم وزرای سابق دولت سیزدهم مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. ویژگی خاص پرونده چای دبش این است که این بار برخلاف رویه معمول، قوه قضائیه در زمان حیات همین دولت (رئیس) وارد عمل شده است. در گذشته، اغلب رسیدگی‌ها پس از پایان دوره دولت‌ها انجام می‌شد؛ مثلاً رحیمی و بقایی پس از سال ۱۳۹۲ محاکمه شدند و حسین فریدون هم در اواخر دولت روحانی به دادگاه‌رفت. اما در این مورد، ساداتی‌نژاد و فاطمی‌امین در میانه دولت رئیسی پرونده قضایی‌شان گشوده شد که این امر نیز با خواست شخص شهید رئیسی انجام شده بود.

حمید رحیمی‌نژاد، کارشناس حقوقی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تخفیف مجازات وزرا به خاطر معاونت ضعیف آن‌ها در اختلال در نظام اقتصادی بود



رای نهایی پرونده متهمان چای دبش روز دوشنبه صادر شد و قرار است دو وزیر سابق راهی زندان شوند. بر مبنای رای صادره، سیدرضا فاطمی‌امین و سیدجواد ساداتی‌نژاد به دلیل معاونت در اختلال نظام ارزی کشور، هرکدام به ۱ و ۲ دو سال حبس محکوم شدند و متهم ردیف اول این پرونده نیز به ۲۵ سال مجازات زندان محکوم شد. برای بررسی ابعاد حقوقی صدور حکم و اتهامات پرونده با حمید رحیمی‌نژاد، کارشناس مسائل حقوقی، گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

اتهام افساد فی الارض در این پرونده اثبات نشد

رحیمی‌نژاد، در پاسخ به این سؤال که چرا برای اتهام فساد سلطان سکه، حکم اعدام صادر اما برای متهم ردیف اول پرونده چای دبش، محکومیت اشدد ثبت نشده، گفت: «ما قانونی به نام مجازات اختلال‌گران در نظام اقتصادی داریم. آنجا گفته شده که اگر احراز شود هدف اختلال‌گر در نظام اقتصادی، مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، اقداماتش به حد افساد فی الارض رسیده است از باب ماده ۲۸۶ و در آن صورت اعدام می‌شود، در غیر این صورت تا ۲۰ سال حبس محکوم می‌شود، ما آگاهی دقیقی از جریان پرونده نداریم اما از قرار معلوم متهم اصلی فساد چای دبش، اقدام در حد و اندازه افساد فی الارض و در مقابله با نظام جمهوری اسلامی نداشته و چنین اتهامی برای قضات پرونده احراز نشده است، دلیل عدم صدور حکم اعدام این است.»

جرم ۲ وزیر، تسهیل اختلال نظام اقتصادی

معاونت در اختلال نظام ارزی، به معنی عدم رفع تعهد ارزی است که منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور شده است. رحیمی‌نژاد در توضیح اتهام دو وزیر سابق گفت: «این افراد علم داشتند که عدم رفع تعهد ارزی و بازنگرداندن آن، منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود. در واقع این افراد به‌عنوان وزرای جهاد کشاورزی و صمت اطلاع داشتند که این اختلال با عدم رفع تعهد ارزی این شرکت شکل می‌گیرد و به این دلیل به این اتهام محکوم شدند.» جرم «معاونت» به صورت فعل است و «ترک فعل» به شمار نمی‌رود، یعنی یا ترغیب کردند، یا قطعیم و تهدید کردند که این

مدعیان سیاسی‌کاری

منتقدان مقابل را هم ببینند

واکنش‌هایی که این احکام را سیاسی می‌خوانند، ناشی از این است که این گروه تلاش دارند این احکام را به‌عنوان ابزاری برای تسویه‌حساب سیاسی جلوه دهند و بگویند که ساداتی‌نژاد و فاطمی‌امین قربانی انگیزه‌های غیرقضایی شده‌اند. اما این خط فکری با تناقض مواجه است، چراکه دسته دیگری از منتقدان وجود دارند که معتقدند احکام صادرشده بسیار سبک است. وقتی صحبت از خسارتی در حد ۳ میلیارد دلار در میان است، حبس ۱ یا ۲ ساله به نظر بسیاری از ناظران، تناسبی با جرم ندارد. اگر هدف قوه قضائیه تسویه‌حساب سیاسی بود، احتمالاً احکام سسنگین‌تری صادر می‌شد تا ضربه بزرگ‌تری به این افراد و جناح‌شان وارد کند.

نباید اجازه داد این دوگانه انتقاد (سیاسی‌کاری یا سبکی حکم) شیرینی برخورد با دو مقام در سطح وزیر را کم‌رنگ کند. اینکه قوه قضائیه توانسته دو نفر از وزرای سابق را به اتهام اختلال در نظام اقتصادی محکوم کند، خود یک دستاورد است. این اقدام نشان‌دهنده این است که هیچ‌کس، حتی در رده‌های بالای قدرت، از رسیدگی قضایی مصون نیست. اگر قرار باشد هر بار که قوه قضائیه با یک مقام برخورد می‌کند، جناح موافقش آن را سیاسی بخواند و جناح مخالفش از عدالت دفاع کند، اصل ماجرا که اجرای قانون است، زیر سؤال می‌رود. باید از خود حکم و نفس بر خورد دفاع کرد، نه اینکه آن را به بازی‌های جناحی تقلیل داد.

توصیه به کناره‌گیری ظریف دلیل دیگری بر اثبات قانون‌گرایی قوه است

برای درک بهتر رویکرد قوه قضائیه، می‌توان به مورد اخیر محمدجواد ظریف اشاره کرد. یکی از اقدامات مهم اخیر رئیس دستگاه قضا، جلسه‌ای است که اژهای با محمدجواد ظریف برگزار کرد. ظریف به دلیل تابعیت آمریکایی فرزندانش و قانون ممنوعیت انتصاب افراد با وابستگی خارجی در مناصب حساس (مصوب ۱۴۰۱)، تحت فشار قرار داشت. پس از این جلسه، ظریف استعفاي خود را اعلام کرد و در پستی در شبکه اجتماعی ایکس اظهار داشت که اژهای به او توصیه کرده برای کاهش فشار بر دولت به دانشگاه بازگرد. این تعامل از چند منظر قابل بررسی است. نخست، اژهای با دعوت از ظریف و توصیه به کناره‌گیری، به‌جای صدور حکم مستقیم قضایی، رویکردی پیشگیرانه و میانجی‌گرانه اتخاذ کرد. این نشان می‌دهد که او به دنبال حفظ ثبات دولت فعلی و پرهیز از تنش مستقیم با کابینه پزشکبان بوده است. دوم، این اقدام تأکیدی بر اجرای قانون مصوب ۱۴۰۱ بود، چراکه انتصاب ظریف از ابتدا با انتقادات حقوقی مواجه شده بود. به این ترتیب رئیس قوه قضائیه هم مطابق قانون عمل کرد و هم به ایجاد تنش سیاسی پس از استیضاح همتی دامن نزد. این نشان می‌دهد که قوه قضائیه سعی دارد تعادلی بین اجرای قانون و حفظ ثبات سیاسی برقرار کند. اگر دولت لایحه اصلاحی دقیقی برای قانون ارانه می‌داد، شاید این چالش‌ها نیز قابل مدیریت بود.

برخوردهای قوه قضائیه

حتی خانواده هاشمی را هم مستثنی نکرد

دولت هاشمی رفسنجانی که پس از جنگ با هدف بازسازی اقتصادی کشور روی کار آمد، به دلیل سیاست‌های آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، با اتهاماتی درباره فساد مواجه شد. یکی از موارد برجسته، اتهامات مطرح‌شده علیه مهدی هاشمی، فرزند هاشمی رفسنجانی است. مهدی هاشمی در سال‌های بعد (به‌ویژه دهه ۱۳۸۰) به اتهاماتی چون دریافت رشوه از شرکت نیروی اسستات اوپل در قراردادهای نفتی و نقش داشتن در

اغتشاشات سال ۱۳۸۸ محاکمه و در نهایت در سال ۱۳۹۴ به ۱۰ سال حبس محکوم شد. همچنین، در دوره هاشمی، افرادی مانند فاضل خداداد در پرونده اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات محاکمه و در سال ۱۳۷۳ اعدام شدند. این پرونده، یکی از بزرگ‌ترین موارد فساد اقتصادی دهه ۷۰ بود.

پرونده کرسنت دولت خاتمی

روی میز قوه قضائیه

پرونده جنجالی که به دولت خاتمی مربوط می‌شود، مربوط به ماجرای کرسنت است. این پرونده یکی از جنجالی‌ترین موارد مرتبط با دولت محمد خاتمی است که به قرارداد فروش گاز ایران به شرکت اماراتی کرسنت پترولیوم در زمان وزارت «بیژن نامدار زنگنه» در وزارت نفت دولت خاتمی بازمی‌گردد. این قرارداد در سال ۱۳۸۱ امضا شد و قرار بود ایران گاز میدان سلمان را به مدت ۲۵ سال با قیمتی ثابت به امارات صادر کند. اما این قرارداد از همان ابتدا با انتقادات شدید مواجه شد و بعدها به یکی از پرونده‌های بحث‌برانگیز قضایی و سیاسی تبدیل شد. این قرارداد به دلیل قیمت پایین گاز (حدود ۱۷/۵ دلار به ازای هر هزار مترمکعب در فاز اول و ۴۰ دلار در فاز دوم) و تعهدات بلندمدت، به‌ضمر منافع ملی ایران بوده است. همچنین ادعا شد که برخی واسطه‌ها و افراد در داخل و خارج از کشور از این قرارداد سودهای کلانی به جیب زده‌اند. این انتقادات در دولت احمدی‌نژاد شدت گرفت و در سال ۱۳۸۶ اجرای قرارداد متوقف شد. پس از آن، شرکت کرسنت به دیوان دآوری بین‌المللی لاهه شکایت کرد و خواستار جریمه‌ای سنگین از ایران شد که برآوردها آن را بین ۸ تا ۱۴ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. در ایران، قوه قضائیه و نهادهای نظارتی مانند سنا زمان بازرسی کل کشور به این موضوع ورود کردند. زنگنه متهم به سوءمدیریت و حتی فساد در این پرونده شد، اما هیچ‌گاه اتهامات به محکومیت قضایی او منجر نشد. حامیان زنگنه استدلال می‌کنند که قرارداد در زمان خود با توجه به شرایط بازار منطقی بوده است. این پرونده همچنان در جریان است و یکی از نقاط بحث‌برانگیز دولت خاتمی محسوب می‌شود.

معاون اول دولت احمدی‌نژاد بالاترین مقام محکوم‌شده توسط قوه قضائیه

دولت محمود احمدی‌نژاد که با شعار مبارزه با فساد و عدالت‌خواهی به قدرت رسید، در عمل با موارد متعددی از فساد اقتصادی در نیمان



اعضای کابینه و نزدیکانش مواجه شد. قوه قضائیه در این دوره و پس از پایان دولت او، چندین پرونده مهم را بررسی و احکام قابل توجهی صادر کرد. یکی از برجسته‌ترین موارد، محکومیت محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد بود. رحیمی در سال ۱۳۹۳ به اتهام فساد مالی، از جمله دریافت رشوه و سوءاستفاده از موقعیت، محاکمه شد. او متهم بود که در جریان پرونده‌ای موسوم به «اختلاس بیمه ایران»، بابالغ هنگفتی رشوه دریافت کرده و بخشی از آن را میان نمایندگان مجلس توزیع کرده است. دادگاه در نهایت او را به ۵ سال حبس تعزیری، رد مال و جریمه نقدی محکوم کرد. این پرونده به دلیل ارتباط رحیمی با احمدی‌نژاد و نقش او به‌عنوان یکی از افراد کلیدی دولت، بسیار جنجالی شد و نشان داد که حتی نزدیکان رئیس‌جمهور نیز از رسیدگی قضایی مصون نیستند. مورد دیگر، حمیدرضا بقایی، معاون اجرایی احمدی‌نژاد بود که در سال ۱۳۹۴ بازداشت و در سال‌های بعد محاکمه شد. بقایی به اتهاماتی چون تصرف غیرمجاز در اموال دولتی، اختلاس و تبانی در معاملات دولتی متهم شد. یکی از اتهامات او، برداشت ۱۶ میلیارد تومان از حساب دولت و واریز آن به حسابی مشترک با احمدی‌نژاد بود. دادگاه در نهایت او را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد، هرچند این حکم بعدها با تخفیف‌هایی مواجه شد. این پرونده نیز به دلیل ارتباط نزدیک بقایی با احمدی‌نژاد، توجه زیادی را به خود جلب کرد و انتقاداتی را درباره میزبان فساد در دولت نهم و دهم برانگیخت.

عدالت یقه برادر روحانی را هم گرفت

دولت حسن روحانی نیز از اتهامات فساد مصون نماند و قوه قضائیه در این دوره نیز با برخی از اعضای دولت با نزدیکان آن برخورد کرد. یکی از جنجالی‌ترین موارد، محکومیت حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور وقت بود. فریدون در سال ۱۳۹۸ به اتهام دریافت رشوه و سوءاستفاده از نفوذ خود در انتصابات بانکی محاکمه شد. اما متهم بود که از روابط خانوادگی‌اش برای فشار بر نهادهای مالی استفاده کرده است. دادگاه در نهایت او را به ۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد. در دولت روحانی همچنین شاهد محکومیت افرادی در ارتباط با پرونده‌های بزرگ‌تر بودیم که بعدها در دولت بعدی نیز ادامه یافت. پرونده موسوم به «چای دبش» که دو وزیر دولت رئیسی را نیز درگیر کرد، ریشه‌هایی در دولت روحانی داشت.

تخفیف مجازات وزرا به خاطر معاونت ضعیف آن‌ها در اختلال در نظام اقتصادی بود

تخلفات بی‌تأثیر نبوده و اظهار داشت: «سیستم قضایی و قوانین اقتصادی ما باید به نحوی تنظیم شوند که چنین محملی ایجاد نشود. ولی چنین محمل‌هایی وجود دارد و اختیارات طلایی در مدبران جمع می‌شود، که با امضایشان می‌توانند سودهایی به افراد بیرون برسانند. در این زمینه هم ما جرم‌انگاری نداریم. برای مثال مجازات عدم رفع تعهد ارزی در قانون خیلی سبک بود، جرم نبود، تخلف بود؛ می‌رفتند تعزیرات، جریمه می‌شدند و برمی‌گشتند. از سال ۱۴۰۱ اصلاحیه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تازه جرم‌انگاری شد که عدم رفع تعهد ارزی بالای ۱۰ میلیون تومان مطابق تبصره ۷ ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری شده و علاوه بر مجازات، حبس سنگین هم دارد. از این نظر که نباید اجازه داده شود فضایی برای این مجازات ایجاد شود، به قانون نقد وارد است. اگر تجربه دهه ۶۰ و ۷۰ را کنار بگذاریم، حداقل از سال ۹۱ و ۹۲ ما تفاوت قیمت ارز آزاد و دولتی را داشتیم و دولت در تمام این سال‌ها با هر اسمی ارز حمایتی داده است، چه ارز ۴۲۰۰ باشد، چه نیما، در این سال‌ها همواره سوءاستفاده داشتیم. نباید بگذاریم سوءاستفاده رخ دهد که پس از آن به دنبال مجازات مجرم باشیم. زمانی که فرد می‌خواهد چای وارد کند، یگ نفر باید بگوید برچه اساس می‌خواهید چای وارد کنید و اساساً سیستم به آن اجازه ندهد، نه اینکه یک مسئول با امضای طلایی، ایسن حجم از ارز مملکت که با دور زدن تحریم‌ها به دست می‌آید را به ثمن بخش بدهد و برود. در ایسن زمینه ما جرم‌انگاری نداریم. علاوه بر این شرح وظایف این‌ها نیز سخت است. برای مثال چندین دوره داشتیم که بانک‌های مرکزی سکه و طلا در بازار برای کنترل قیمت توزیع کردند. قیمت کنترل گرفته شد و در نتیجه طلا و ارز دولتی از بین رفته است. مشکل اصلی اینجاست که سیستم نباید بگذارد چنین اتفاقی رخ دهد، در چنین مواردی باید ضوابط مشخص باشد که اگر بخواهید، نهادهای دامی و چای و برنج را وارد سامانه کنید. در نتیجه این حاصل شود که بداندیم نیاز کشور چقدر است.»

اگرچه اصل فساد توسط این مدیران دولتی رخ نداده، اما آن‌ها با امضای طلایی وقع آن را تسهیل کردند. رحیمی‌نژاد در این مورد گفت: «اصل فساد توسط مدیران دولتی صورت نگرفته است، مدیران دولتی دلیل هستند و با بی‌تدبیری و امضاهای اشتباه، معاونت داشتند. ولی اصل فساد را این افراد انجام ندادند. این‌ها رفتند ارز را بفروشدند، ولی این اتفاق احتمالاً به این دلیل رخ داده که این‌ها حداقل دچار غفلت شده‌اند.»

نقص قانونی در بروز تخلفات دبش مؤثر بوده‌است

رحیمی‌نژاد به این موضوع هم اشاره کرد که نقص قانونی در بروز این